



عنوان مقاله:

تفکری در نظام حکمرانی منابع طبیعی و محیط زیست ایران

نویسنده:

مجید رحیمی

دانشجوی دکتری آبخیزداری،

دانشکده منابع طبیعی،

دانشگاه تهران

مقدمه

ایران، خطه‌ای از مادر طبیعت، سیاره‌ی زمین؛ سیاره‌ای که طی میلیاردها سال سرد و گرم روزگار را چشید تا به دوره‌ای به نام دوره هولوسن رسید؛ دوره‌ای که همه چیز را برای

حیات ما انسان‌ها مهیا ساخت. ابتدا این طبیعت بود که بقای ما را تعیین می‌نمود، اما پس از گذشت هزاران سال، اکنون این ما هستیم که بقای طبیعت را تعیین می‌نماییم. این مادر مهربان، فرزندان خود یعنی ما انسان‌ها را پرورد و به کمال کنونی رساند، اکنون این مادر پس از زخم‌هایی که در پی بزرگ کردن ما متحمل گردید، نیازمند تیمار و نگهداریست.

در عصری به نام عصر آنتروپوسین یا عصر انسان‌ها، سیاره‌ی زمین مرزبندی شد، این ذات انسان بود که گروه‌های اجتماعی تشکیل داده و بر اصول و سنت‌های خود پایبند باشد. این گروه‌بندی باعث به وجود آمدن مرزهای ملی و ایجاد سیاست‌های ملی‌گرایانه شد. در گذر رشد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی ما انسان‌ها، طبیعت بیش از پیش تحت تاثیر قرار گرفته و رو به زوال رفت. این رشد و تاثیرات بر سیاره‌ی زمین باعث به وجود آمدن عصری به نام عصر آنتروپوسین شد. در نتیجه مرزهای سیاره‌ای ۹ گانه مانند تغییر اقلیم، جریان‌های بیوشیمیایی، تغییر کاربری اراضی، جامعیت زیست‌کره و غیره به وجود آمدند که در حال حاضر یعنی دهه دوم قرن

۲۱ میلادی، از این ۹ مرز سیاره‌ای ۴ مرز از حالت ایمن خارج شده و به حالت بحرانی برای بقای انسان و طبیعت رسیده است. شاید بگویید این دلیلی برای ادامه دادن با بحث ایران نیست، اما مقدمه را با این جمله به پایان می‌رسانم که در عصر جهانی شدن، ما هنوز در تضمین بقای ایران خود ناکام مانده‌ایم؛ اما این بدان معنا نیست که دید خود را تنها به مسائل ملی کاهش داده و مرزهای سیاره‌ای را فراموش کنیم، لذا این تنها شروعی خواهد بود جهت شناخت بهتر خود و سپس گام نهادن در کنشی فراملی برای سیاره‌ی ما "زمین".

اگر به عنوان یک متفکر سیستمی به سیستم کنونی حکمرانی کشور ایران نگاهی ببینیم، دید بسیار عمیقی نسبت به وضعیت منابع طبیعی ایران پیدا خواهیم نمود. ابتدا بگذارید مروری گذرا بر تاریخ سیستم کنونی حکمرانی ایران ببینیم، سپس از دیدگاه سیستمی دوباره آن را بازخوانی نماییم.

مروری بر تاریخ معاصر سیستم

حکمرانی منابع طبیعی ایران

۴۳ سال پیش سیستم (نظام) حکمرانی کشور ایران از رژیم شاهنشاهی پهلوی به جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد (انقلاب اسلامی). این تغییر کنش‌های سیاسی بسیاری را به خصوص در اوایل تشکیل سیستم جمهوری اسلامی

(مانند جنگ ۸ ساله ایران و عراق) در پی داشته و در نتیجه تاثیرات مخربی بر سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی، زیرساختی و طبیعی ایران بر جای گذاشت. در ادامه فعالیت‌های سیاسی و نظامی کشورهای غربی در خاورمیانه باعث ایجاد تنش‌های منطقه‌ای گردید و در نهایت عواملی مانند تحریم‌های اقتصادی علیه کشور ایران باعث افزایش فشارهای روزافزون بر سرمایه‌های پنج‌گانه کشور ایران گردید.

از این رو کشور ایران جهت کاهش این فشارها در طی این سال‌ها اقدام به مصرف حداکثری از منابع طبیعی ملی به خصوص منابع آبی جهت افزایش تولید و خودکفایی در جهت کاهش وابستگی به کشورهای دیگر نمود. اما تغییرات در مرزهای سیاره‌ای مانند تغییر اقلیم و همچنین برداشت بی‌رویه از این منابع باعث فروپاشی منابع طبیعی (مانند آب، خاک، پوشش گیاهی و غیره) گردید، به طوری که حدود نیمی از دشت‌های دارای آب زیرزمینی به عنوان دشت ممنوعه اعلام گردیده، منابع آب سطحی با احداث بی‌رویه سدهای بزرگ مورد برداشت بیش از حد قرار گرفته و پایین‌دست حوزه‌های آبخیز به عنوان اولین مراکز تحت تاثیر، نابودی را به چشم خود دیده‌اند. این تغییرات یا به صورت تدریجی اتفاق افتاده یا با وقوع عوامل ماشه‌ای

(شوکه‌ها) دچار تسریع شده‌اند. اما مسئله این است که در طی این تغییرات سیستم حکمرانی کشور ایران چه اقدامی انجام داده است؟ حال بیایید از دیدگاه تفکر سیستمی به این موضوع بنگریم.

سیستم حکمرانی منابع طبیعی ایران از دیدگاه تفکر سیستمی

دانلا مدوز در کتاب تفکر در سیستم‌ها (۲۰۱۲)، قبل از شروع مقدمه کتاب نقل قولی از رابرت پیرسیگ نویسنده آمریکایی می‌کند: اگر انقلابی یک دولت را از هم بپاشد، اما الگوهای سیستمی فکری که آن دولت را به وجود آورده است دست‌نخورده باقی بگذارد، این الگوها دوباره خود را تکرار خواهند کرد. اگر سیستم حکمرانی ایران را به عنوان یک منبع و این منبع را دارای زیرسیستم‌های دیگر مانند زیرسیستم حکمرانی منابع طبیعی و غیره در نظر بگیریم، عناصر (مانند عناصر بیوفیزیکی، انسانی و غیره)، روابط و همچنین بازخوردهای بین این عناصر نیز جزئی از این سیستم شناخته شوند، آن‌گاه می‌توان گفت در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، تغییر رژیمی در سیستم حکمرانی کشور ایران به وجود آمد. این تغییر رژیم در پی تغییرات تدریجی یا ناگهانی بزرگ در برخی عناصر، روابط و به طور کلی در نتیجه ساختار سیستم حکمرانی قبلی به وجود آمد.

به جز عناصر و روابط بین آن‌ها، جزء سومی در سیستم‌ها وجود دارد که با عنوان هدف یا

عملکرد سیستم شناخته می‌شود. پس از روی کار آمدن سیستم حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، هدف این سیستم برپایی جمهوری اسلامی و ارائه عدالت اجتماعی در بین تمامی مردم ایران معرفی گردید. گذری بر بیت معروف صائب تبریزی که می‌فرماید:

نشت اول چون نهد مملکت

تأثیری رود دیوار کج...

شاید گویای تمام و کمالی برای برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران نباشد، اما اتفاقاتی که پس از انقلاب اسلامی در کشور ایران رخ داد باعث جابجایی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های بعضاً غلط در پایه‌ریزی سیستم جمهوری اسلامی گردید. لذا بسیاری از الگوهای نادرست که از سیستم قبلی حکمرانی در کشور ایران وجود داشت بر جای خود با شکل و شمایل دیگری بر جای ماند. مدوز در کتاب خود در مورد عملکرد اشتباه سیستم‌ها، به این نکته بسیار مهم اشاره می‌کند که گاهی نباید تنها عناصر را دلیل بروز اشتباه در یک سیستم دانست، بلکه مهم‌ترین و اساسی‌ترین دلیل بروز اشتباهات و واژگونی‌ها در سیستم‌ها، ساختار غلط سیستم‌هاست (ساختار سیستم منبع رفتار سیستم است). در نتیجه یکی از مهم‌ترین دلایل شکست مدیریت منابع طبیعی

در کشور ایران، به جز عناصر و روابط غلط بین آن‌ها، ساختار سیستم حکمرانی منابع طبیعی ایران است که از ابتدا به دلایلی به اشتباه پایه‌ریزی گردیده است.

اگر بخواهیم با جزئیات بیشتری این سیستم را بررسی کنیم می‌توان از هدف سیستم شروع کرد. هدف سیستم جمهوری اسلامی ایران در اوایل شکل‌گیری این سیستم، خلع ید دولت‌های مستبد از منابع طبیعی و ملی کشور و آزادسازی روحیه ملی در تولید و کشاورزی توسط خود مردم ایران و ایجاد عدم وابستگی به نیروها و منابع خارجی معرفی می‌گردید. اما به دلایل سیاسی که باعث بروز حملات نظامی به مرزهای کشور، اقدامات تروریستی و از این قبیل مسائل می‌گردید، سیستم جمهوری اسلامی نتوانست در سال‌های اول انقلاب به این هدف نائل گردد. پس از عبور این سیستم در تنش‌های غالباً سیاسی و نظامی در دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی، سیستم جمهوری اسلامی توانست تا مدت کوتاهی

جهت نیل به هدف اصلی سیستم خود یعنی خودکفایی در تولید و کشاورزی دست بپايد؛ اما مشکل اساسی در جایی به وجود آمد که عدم نگاه و توجه علمی به منابع طبیعی باعث برداشت بی‌رویه از منابع گردید و به نوعی توهم تولید

در مناطق کشاورزی و صنعتی مهم (مانند خوزستان، فارس، اصفهان و غیره) در کشور ایران به وجود آورد.

این توهم تولید باعث حفظ هدف سیستم با نگاهی که در اوایل انقلاب به آن می‌شد گردید؛ یعنی افزایش تولید تنها با نگاه خودکفایی و عدم توجه به منابع طبیعی تجدیدنپذیر در مدت زمان کوتاه که تاکنون نیز این تفکر و هدف در سیستم جمهوری اسلامی پایدار باقی مانده است.

از دیدگاه تفکر سیستمی، سیستم جمهوری اسلامی در دام سیستمی ایستادگی سیاسی گیر افتاده است. این دام در تفکر سیستمی به عنوان اولین دام از هشت دام شناخته‌شده در سیستم‌ها می‌باشد. دام ایستادگی سیاسی زمانی اتفاق می‌افتد که در یک سیستم کنشگران مختلف به دنبال اهداف فردی خود بوده و هیچ گونه جامعیتی در این اهداف وجود



ندارد، به طوری که هدف اصلی سیستم به منافع فردی کنشگران تبدیل گردیده و هر کنشگر یا عنصر به دنبال سیاست‌هایی جهت نیل به اهداف خود بوده که در اکثر موارد این اهداف با اهداف دیگر عناصر دچار تضاد می‌باشند.

ترجمه این دام به زبان سیستم جمهوری اسلامی ایران به این‌گونه است که هدف اصلی این سیستم پس از مدتی به هدف فردی وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و غیره مبدل گردید و همه کنشگران تنها به دنبال رسیدن به هدف سازمانی خود بوده‌اند؛ در نتیجه سازمان‌ها و نهادهای توسعه‌ای مانند وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و غیره در طی سال‌های اخیر تنها به دنبال افزایش تولید و خودکفایی بوده، در صورتی که سازمان‌ها و نهادهایی مانند سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری و سازمان حفاظت محیط زیست نتوانسته‌اند هدف اصلی خود را از هدف کلی سیستم جمهوری اسلامی جدا نمایند، در نتیجه به نوعی سازمان‌های حفاظتی دچار سردرگمی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان شده‌اند.

همانطور که گفته شد، مهم‌ترین دلیل شکست در سیستم‌ها، وجود ساختار غلط در ساختار سیستم است. لذا در سیستم حکمرانی منابع طبیعی ایران خلاءها و ساختارهای اشتباهی وجود دارد که با وجود

قانون‌گذاری‌های موجود در خصوص اقدامات حفاظتی و حراستی از منابع طبیعی و محیط زیست ایران، همواره عمل به این قوانین دارای نقص بوده و هیچ‌گاه این قوانین نتوانسته‌اند به تنهایی در راستای مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست گام بردارند.

اما راه چاره چیست؟

بر اساس مطالب ذکر شده، سیستم حکمرانی منابع طبیعی در جمهوری اسلامی ایران در دام ایستادگی سیاسی قرار گرفته است. محققین تفکر سیستمی برای خروج از این دام دو راه را ارائه نموده‌اند:

۱. مذاکره جهت تحقق اهداف همه کنشگران با محوریت هدف اصلی سیستم با حضور تمامی کنشگران و استفاده از انرژی آن‌ها جهت نیل به هدف اصلی سیستم.
۲. بازتعریف اهداف بزرگ‌تر یا مهم‌تر که همه کنشگران بتوانند با یکدیگر به سمت آن قدم بردارند.

این دو راه جهت خروج سیستم از دام ایستادگی سیاسی و اصلاح هدف یا اهداف

سیستم ارائه گردیده‌اند؛ اما همانطور که ذکر گردید به جز هدف سیستم، ساختار سیستم نیز نیازمند توجه و اصلاح می‌باشد؛ لذا راه چاره سوم می‌تواند به شرح زیر باشد:

۳. ابتدا نقشه‌برداری سیستم، عناصر، روابط و بازخوردهای آن در سیستم موجود و سپس شناسایی ساختار ناهنجار و اصلاح ساختاری (بازطراحی) آن در کل سیستم.

اگر الگوهای غلط در ساختار سیستم حکمرانی، به خصوص سیستم حکمرانی منابع طبیعی ایران مورد اصلاح قرار نگیرد، این الگوها زوال و در نهایت فروپاشی سیستم را به دنبال خواهند داشت؛ منابع طبیعی و محیط زیست کشور خواهد شد، بلکه تبعات

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جبران‌ناپذیری بر نظام حکمرانی جمهوری اسلامی

ایران خواهد گذاشت.

منابع

1. <https://www.netflix.com/ourplanet>
2. Meadows, D. H. (2012). Thinking in systems: A primer. chelsea green publishing. <https://www.amazon.com/Thinking-Systems-Donella-H-Meadows/dp/1603580557>
3. Pirsig, R. M. (1999). Zen and the art of motorcycle maintenance: An inquiry into values. Random House. <https://www.amazon.com/Zen-Art-Motorcycle-Maintenance-Inquiry/dp/0060589469>
4. Steffen, W., Richardson, K., Rockström, J., Cornell, S. E., Fetzer, I., Bennett, E. M., ... & Sörlin, S. (2015). Planetary boundaries: Guiding human development on a changing planet. Science, 347(6223). <https://science.sciencemag.org/content/347/6223/1259855>

